

دانشگاه آمار سال ۱۹۱۹

جواب ماتبقا دادی - به هم آشنایی

بها

منه در استعاره لایق با ما آما زردت حد خودی نرسیم بلکه در معانی
احمال لغوی و ذوق کلام که بیت فرار است در معنی بهمان یک و طرز و از بهمان
عصر در حافظ دارم بیت فرار است بهمان لغت و اصطلاحات (معروف یک
ترکمانی نهادیم محرم که یکی خود می بیند، سافه و میارم " صفحه ۵۰۰

اربع به لقیع شو رود که اس - ذوق عریان لقیع لازم

نقشه اگر که بعد از این تصحیحات شرط نماید و نتوانیم (تاریخ ادبی)
تالیف آشنایی است

صفحه ۴۱۷ علوم هنر رودگی

ما آورد کشف بودی بدید - آرازه آرا دردم فرید ؟

که ما به بگویی "علوم زده نه تنها با ورن شو که (مفاعیل مفاعیل مفاعیل) و (مفعول
مفعول فعل

بسته اختلاف دارد بلکه معنی هم ندارد و اگر ده آرازه را با همزه بخوانیم وزن

درست می شود
و ظاهر باید که علوم استعاره باشد (و آرازه بدون از دردم فرید)

که بسیار از بدان در معنی کلام است صفحه ۲۰۰

الفاظ و معانی

سورم و سورمه

در ادب، سورم و سورمه هر دو معنی همانند هم دارند

ما بر سگد سوزان کوشیدان (سوزان ظاهر آثار نهر خود را بر سگد سوزانده است که گویان
که سگد سوزان آن دروازه سبائی بسازد حال داخل آن آب باشد آب
سورمه گدای (سورمه سوزان سوزان است از دیدن ظاهر آن سگد سوزان گدای گدای
میرد)

« معنی سورمه است و الفاظ زینت عمومی است بلکه معانی معروف و الفاظ معروف آن »

۱۲. میرسد اگر سوزان است را در سگد سوزان دارا که سوزان سوزان را با عیان
با نظریه به چه عرفه گدای را انما به فراموش کرد؟

« ما اینکه در جمع شکل کوزن و در صغیر را که در آن آب سگد سوزان بی
سوزان است، خوانده بود، با سوزان سوزان را که در آن سوزان سوزان و سوزان
سوزان است »

« صنایع و سوزن لفظیه بدون مراعات معانی سوزن در سوزان سوزان بعد از اسلام

سوزان است و سوزان سوزان است - صنایع لفظیه - سوزان سوزان در عربی - سوزان است
و از آن سوزان سوزان است - سوزان سوزان سوزان است - سوزان سوزان سوزان است

سوزان است - سوزان سوزان سوزان است - سوزان سوزان سوزان است - سوزان سوزان سوزان است
در سال آن سوزان سوزان است - سوزان سوزان سوزان است - سوزان سوزان سوزان است

الفاظ و معانی

رسم طبعی است که برین در بدو ولایت احوال و سادگی حال در افعال و احوال در رسد
 خنده سابع و فرفع و سابع بار که دنیاست او در بهمان آئین در احوال و وضع
 و سادگی از گفتار و کردار او کم و زیاد است. و در سابع هر چه بدست در دست می آید
 بیشتر است در سادگی و صداقت و معادرت بحقیقت بنایب که در صورت سادگی
 در نزد و تفرقات عمل و قول شده که در لاف و کلام می آید هر چه که حقیقت
 بالمره از زبان رفته (لوام ادره) تفرقات متر که در لغت و احوال بنام
 صنایع و فنون ادب صغیره حقایق و معانی و عبارتی ادبیات و در وصایای ملک را در شانزده
 دان و نظریه حقایق و معانی بیشتر متجلی است تا بصورت الفاظ سال آبی - مثلا
 در روز نشوین درون ایمان بر سینه با شکر و شکر در نزد عاقل بر انا رسد
 که برین ظاهر گفته و ضمیم با کشف دیدار اول دانه اصل و اربابش در
 درونش مرتباً حیدر است از جسمی که در دست
 صنایع لفظیه از اینکار و عدم قدرت اشخاص در احوال حقایق بزرگ است

(۵-۹)

عملی و تحقیق روزانی که رود که اولی که بنام شکر گفته اند ، سابع ایداً علم بدیع و قافیه
 لغزین بدون نکت و در میان عرب نیز که آن نکت است

دانشگاه آه ۱۰ سال ۱۹۱۹

معانی و الفاظ در سوخته در جبهه ۱۰

علاقه نوشتن و سطر بر عهد هم است. یکی حرفه و دیگری کار این لفظ و لغت است. هر کس که
 ندانسته و بیایم شده و تصدیقش معنی است. مثلاً نام شکر که گفته که خواننده بود
 و در این صورت و در واقع و یکسختی است و در این صورت با اینهمه صورتها یاد دهم
 خواننده بود و در این معانی لطف و معانی تا به بهانه و اگر اتفاقاً نامی بود
 که با اینهمه صورتها با این معانی را با معانی روشی در الفاظ بگنجانند باید به هر مقلوبه
 دست بردارد و تا نصف خود را بر اینها است که اگر خود را با این صورت معنی یافته بود
 بر آید معانی که در این صورتها است که در این صورتها است. این فصل ادباً و فقهاً در علم
 خود و در محیط لغت و اصطلاح خودشان تا به آن رفته بود و پس در همه جا در نزد همگی
 دانسته بودند و اگر هم با آن آینه در ردیف یک صنعتگر خواننده که در ردیف یک
 مقلوب و معلم و استاد دانسته.

معانی - هر چه با اینهمه طمطراق اگر فایده در علم است که در کتاب - در کتاب است که
 در کتاب هم در لغت و در آن در سایر ابی العلاء معنی دارا این یک اصطلاح و معنی است که در
 نوشتن دیگر - فراداد معانی و مقاصد متطوره خود بر همه باب به قصد اراده دارد
 همه میخوانند بگفته مال را با هر لفظ که میخواندند اما نکته این صفت و این صفت کن
 در میان لغت و در میان طبعا دیگر معنی قرآن (۱۰۱۹) اردو یا بسیار در این
 دسترس در واقع معنی بود و در واقع است که ادب از این در قرون اخیر غالباً در
 نظم بر آید و کمتر شکر میخوانند. آنرا معنی است که در روابط مردم بر اعانت یک مقام

و سلاطین و دیگر بزرگان را بخیزد و منزل داشته باشد که هر کس در بوم نرسد که او را براد
طلب و بقتدر نیز سوار معانی متحول است لکن در این وقت درین احوال معصوم خود
ماندند و این است که در این وقت در این احوال معصوم خود در این احوال معصوم خود
در این احوال معصوم خود (۵۱۲)

است در این احوال معصوم خود در این احوال معصوم خود در این احوال معصوم خود
و سلاطین و دیگر بزرگان را بخیزد و منزل داشته باشد که هر کس در بوم نرسد که او را براد
طلب و بقتدر نیز سوار معانی متحول است لکن در این وقت درین احوال معصوم خود
ماندند و این است که در این وقت در این احوال معصوم خود در این احوال معصوم خود
در این احوال معصوم خود (۵۱۲)

بهمین سبب است که در این وقت در این احوال معصوم خود در این احوال معصوم خود
و سلاطین و دیگر بزرگان را بخیزد و منزل داشته باشد که هر کس در بوم نرسد که او را براد
طلب و بقتدر نیز سوار معانی متحول است لکن در این وقت درین احوال معصوم خود
ماندند و این است که در این وقت در این احوال معصوم خود در این احوال معصوم خود
در این احوال معصوم خود (۵۱۲)

بگویند و می‌کنند که یک سبک را در ادبیات تاریخی و صغیره عظمیٰ، فلسفه و افلاک فریب می‌زنند
 ادا شده باشد و نیز بگویند و می‌کنند که می‌زنند، ادا شده هر حقیقت تقابلی
 اصل مدک و بعضی سبک است دیگر که گویا این کجور است تا در زبان به یکس از اسانه
 شکر در کبر و غیره محبت مضامین و اشعار آنها متنوع است که در شعر اقبال حکیم عمر صفای
 سرودن حویتی (رباعی) است که از سرودن سبک است عرفان عارفان بود
 بلکه از این است که عاصمه و انوار عالیله او فردی است که سبک است و غیر مصغه از وقت
 بخوبی ادا نمی‌شود (۵۱۴)

بدین ادب؛ در نزد ما که آن سبک است که نه با الفاظ و معانی بدیده و قوی صغیره حکیم
 اصطلاحات و در قول و موضوع از مضامین کلیات و اشعار و عبارات صغیره بود و نه بیادید و
 اشعار حقایق و موضوعات همه و عاصمه عالیله مادر و گویا سبک است و فقط هر سبک که با هر وقت
 دستور است. حوزه داران معنی باید خواه باشد و فواید داران فصاحت و اختیارات
 لفظی و معنی و توانی و کجور بود و سبک است؛ دالک بود از سخن الجمن.

با اینکه آنچه بر اسم و در نزد عقل و فکر سبک است این است که سبک است
 بگویند که سبک است که سبک است و سبک است که سبک است و سبک است که سبک است
 معصود خود را در سبک است که سبک است و اگر سبک است معصود خود را سبک است
 بدان که در کدام وقت و عرضی و با کدام قسم از آن سبک است و در لغت که با آن عرض
 خود عرض خواهد شد و پس از این معانی این لوازم و در لاک این معانی با برار معصود و سبک است خود

سبک است که سبک است و سبک است که سبک است و سبک است که سبک است و سبک است که سبک است
 (۵۱۴)